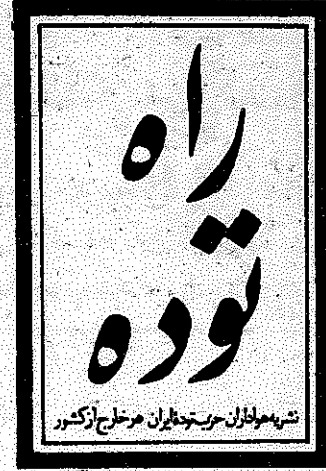


اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره بازداشت غیرقانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن



سرانجام تحریکات و توطئه‌های علیه حزب توده ایران، که طی تمام دوران پس از پیروزی انقلاب يك لحظه متوقف نشده به اوج خود رسید و گروهی از رهبران سرشناس و دبیر اول حزب رفیق نورالدین کیانوری، برقم نسبی صریح قانون اساسی و اظهارات صریح مقامات مسئول در مورد احترام به آزادی عقیده در جمهوری اسلامی ایران به اتهامات واهی و بی اساس بازداشت شدند.

رفیق کیانوری، یکی از بزرگترین تاریخ معاصر ایران است که بیش از چهل سال علیه رژیم منفر پهلوی و در راه دفاع از استقلال ملی ایران و حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان کشور رزمیده و در تدوین و اجرای مانی انقلابی حزب توده ایران، در جهت تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی و پشتیبانی قاطع از سنگبری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام از ۱۵ خرداد ۴۲ تا به امروز و خنثی کردن توطئه‌های ضد آن نقش درجه اول داشته است. سایر رهبران حزبی هم که بازداشت شده‌اند، هر یک در خدمت به انقلاب و توده زحمتکش کم نظیرند. از جمله رفقا حجری، هموشی، شلتوکسی، باقرزاده، ذوالقدر، کسی منش از کسانی هستند که بخاطر مبارزه در راه استقلال ملی و علیه رژیم شاه هر یک ۲۵ سال در زندان شاه اسیر بوده‌اند.

جمعه ۲۰ اسفند ۱۳۶۱ مطابق ۲۵ جماد الاول ۱۳۸۳ و ۱۱ مارس ۱۹۸۳
پار اول - شماره ۳۲
پشت: ۶۰

بقیه در صفحه ۶

احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ضد امپریالیستی و شخصیت‌های برجسته جهان از حزب توده ایران دفاع می کنند

درد آتشین به رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده‌ای ما

جنگ ایران و عراق، مسائل و راه حل ها

حزب توده ایران و مبارزان آن اقتضای دارند، که پیوسته حوادث دنیا و ایران را با منطق علمی خویش سنجیده، بر اساس مصالح ایران عزیز بآخذ تصمیم برداشته و تا پای جان بر سر تصمیم خود ایستاده اند.

در هفته های اخیر خطر آن میرود کمحتی صداهائی از این قبیل پیوسته نادر تر و کمرنگتر گردد. با این وجود چون سخنان گفته شده در نماز جمعه متعلق به یکی از شخصیت های مسئول کشور و در باره یکی از معضلات مهم است بخود اجازه میدهیم آنها را بطور مختصر بررسی کنیم. حجتا، رفسنجانی، خطبه های ناروچیه میبایا گفت که نباید در انتظار پایان گرفتن جنگ در بقیه در صفحه ۱۱

رفیق نورالدین کیانوری سال ۱۳۲۸ در بیدادگاه محمد رضاشاه، که به دادگاه خلق علیه رژیم پهلوسوی تبدیل شد!

بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

آری، يك چنین بزرگمرد تاریخ ایران، يك چنین آزاد مردی، که تمام عمر آگاه، پرپرار، جوشان و بیکار جویانه خود را صرف دفاع از منافع خلقهای میهن ما کرده است و در تمام لحظات زندگیش با تمام سلولهای بدنش، با تمام وجودش، با جان و تنش علیه امپریالیسم، ارتجاع داخلی و خارجی رزمیده است، بزرگمردی، که با روشن بینی خلاق و علمی راه رشد و تحمیق انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما را روشن ساخته است و پایمردانه از سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام از ۱۵ خرداد ۴۲ تا به امروز پشتیبانی کرده است، آری، يك چنین بزرگمرد تاریخ ایران اکنون در زندان میهنی است، که خراست از آن و دفع توطئه های امپریالیستی و بقیه در صفحه ۳

روز ۲۶ فوریه، هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) دوستان آمریکائی ایران انقلابی AFRI و حزب کمونیست آمریکا سالگرد پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را با شرکت چند صد نفر در شهر شیکاگو جشن گرفتند. این جشن

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ضد امپریالیستی و شخصیت‌های برجسته جهان از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

احزاب امضا کننده بیانیه زیر در جلسهای مورخ ۳ مارس ۱۹۸۳ در مورد وقایع اخیر ایران ، که منجر به بازداشت بخشی از رهبران حزب توده ایران شده است ، به تبادل نظر پرداخته و با همدار به مسلمانان مبارز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی رفیق نورالدین کیانوری و بقیه رهبران و اعضا حزب توده ایران شدند .

بیانیه

۱- یورش اخیر راستگرایان به حزب توده ایران و بازداشت بخشی از رهبران حزب ، و بویژه رفیق نورالدین کیانوری ، دبیر سر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، را باید نقطه عطفی در سرنوشت دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران دانست . ارتجاع داخلی ایران و حامیان امپریالیستی آن هر بار که به استقلال و منافع ملی ایران ضربه وارد ساختند ، این ضربه را با یورش به حزب توده ایران آغاز کردند ، حزبی که در ۴۱ سال عمر پیکارگرانه خود علیه امپریالیسم و ارتجاع هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان در پشت سر خود به جا گذاشته است . اتهام "جاسوسی" و "جعل اسناد" به رفقای مذکور که اتهام نادرست و امپریالیسم ساخته ای بیش نیست ، فقط پنهان ای است برای وارد آوردن - ضربات هرچه کاری تر به انقلاب و دستاوردهای آن . فرزندان زیادی از زحمتمندان ایران که در دامان این حزب پرورش یافته اند در دوران رژیم شاهنشاهی به همین "جرم" به جوخه آتش سپرده شده اند ، به زندان محکوم شده اند و شکنجه و در بدی را تحمل کرده اند .

۲- تجربه تاریخی در کشورهای منطقه و خارج از آن در دوران فعلی و در گذشته می آموزد که تهاجم به حقوق دموکراتیک و قانونی پیگیرترین مبارزان ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع آغاز شکست نهایی انقلاب است .

۳- جای انقلاب ایران و جمهوری نوپسای مستقل اسلامی ایران در جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهانی است ، در کنار جنبش های آزادی بخش ضد امپریالیستی ، در کنار جنبش کارگری مترقی کشورهای سرمایه داری و در کنار اردوگاه عظیم سوسیالیستی .

چنین موضع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ایجاد یک جبهه متحد خلق در داخل کشور که از مدافعان راستین انقلاب ، بچه مسلمانان انقلابی و چه دگراندیشان انقلابی تشکیل شده است ، شرط تداوم و پیروزی نهایی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران است .

۴- ما امضا کنندگان این بیانیه کسسه هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران هستیم نگرانی عمیق خود را از بازداشت بخشی از رهبری حزب توده ایران

و در رأس آن رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول حزب ایران می داریم و هشدار می دهیم که کسب دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در خطر است . ما که از پیگیرترین مدافعان و متحدان جهانی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران هستیم ، نسبت به سلامت رفقای دستگیر شده عمیقاً نگرانیم . همچنین نباید از مد نظر دور داشت که عوامل ناشناخته دشمن ، که در ارگانها و نهاد های حکومتی ایران نفوذ کرده اند ، نیز خطر بالقوه جدی علیه جان این رفقا هستند .

۵- ما با توجه به نکات فوق و با آگاهی بر وزن و اثر تاریخی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران از حاکمیت مسلمانان مبارز در ایران خواستاریم که با آزاد ساختن رفقای بازداشت شده رهبری حزب توده ایران ، بویژه رفیق نورالدین کیانوری و برداشتن تضییقات فعالیت سیاسی قانونی برای حزب توده ایران ، راه تعمیق انقلاب را باز سازند و به پیشروی و تحکیم مواضع نیروهای واپسگرا ایستاد دهند .

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی ، وادیم زاگلادین عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، حزب کمونیست آرژانتین ، حزب کمونیست استرالیا ، حزب کمونیست پرزیسل ، حزب کمونیست بلغارستان ، حزب کمونیست دانمارک ، حزب کمونیست یونان ، حزب کمونیست عراق ، حزب کمونیست اسرائیل ، حزب کمونیست هندوستان ، حزب کمونیست مالتا ، حزب کمونیست نروژ ، حزب کمونیست سوریه ، حزب کمونیست تونس ، حزب کمونیست اروگوئه ، حزب کمونیست ترکیه ، حزب کمونیست ویتنام ، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا ، حزب کمونیست ژاپن ، حزب کمونیست سوئد ، حزب خلقی کار قبرس (اکل) ، حزب خلقی و مردمی گویانسا ، اتحاد نیروهای خلقی و ناسیونالیستی و متحده مصر ، حزب کمونیست آلمان فدرال ، حزب آزادی سوئیس ، حزب مردم و انقلابی مغولستان ، حزب کارگران ایرلند ، حزب سوسیالیست متحده آلمان دموکراتیک

بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۸

دستگیری دبیر اول و دیگر رهبران عده حزب توده ایران است . ما برای آزادی آنها تلگرام نیز فرستادیم . رفیق دیسکس در پایان سخنانش گفت : " قبل از آمدن به شیکاگو ، رفیق هنسری و بنستون ، صدر حزب و رفیق "گاس هسال"

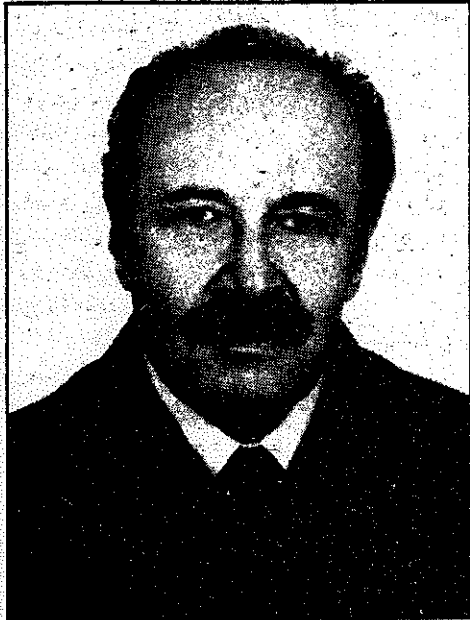
دبیر کل حزب ما از من خواستند تا این پیام را به شما برسانم که طغیان هرگونه مشکلی که در آینده برای مردم ایران بوجود آید ، و نتیجه نبرد کنونی در ایران هر چه باشد ، حزب کمونیست آمریکا در کنار مردم ایران خواهد ایستاد . ما برای مردم ایران خوشبختی و صلح و مو

فقیتهای بزرگ در نبرد انقلابی شان آرزو می کنیم .

در پایان قسمت اول " مکی نیومن " از رهبران جنبش کارگری در شیکاگو و عضو هیئت اجرایی " دوستان آمریکایی ایران انقلابی " در رابطه با منافع مشترک مردم ایران و آمریکا صحبت کرد و خاطر نشان ساخت که مبارزه در راه صلح و بر علیه میلیتاریسم و سرمایه داری آینده خلق های زحمتکش ایران و آمریکا را بیکدیگر پیوند میدهد . وی از تمامی نیروهای مترقی و صلح دوست دعوت کرد به جمعیت " دوستان آمریکایی هواداران ایران انقلابی " پیوندند .

درد آتشین به رفیق نورالدین کیانوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ای ما

بقیه از صفحه ۱



فهرست کامل اعضای رهبری و مشخصات و آدرس کامل آنان را به آن وزارت خانه دادیم و بسیاری متاسفیم که این مشخصات در یازدهم شهریور حزب ما مورد سوء استفاده قرار گرفته و به اعتبار و امانت مقامات جمهوری اسلامی ایران لطمه جبران ناپذیری وارد کرده است (اعلامیه کمیته مرکزی، ۲۷ بهمن ۶۱).

رفیق کیانوری در بیدادگاه شاه در سال ۱۳۲۸ آن "جرم" هائی را برمی شمرد که علت واقعی زندانی کردن و محکومیت رهبری حزب ما بودند و اکنون نیز هستند. او می گوید: "آقایان قضات!" جرم ما این است، که زندگی خود را با مقیاس منافع ملت ایران سنجیدیم. جرم ما این است، که همه چیز را فدای آزادی و استقلال و سربلندی ملت ایران کرده ایم. جرم ما این است، که هر روز به رنگی در نیامدیم. جرم ما این است، که همیشه راست گفته ایم، سرت سخت بود، ایم، ضعف نشان ندادیم و به دشمنان ملت تسلیم نشدیم. این ها بود جرم های نابخشودنی ما. و برای جرم هاست، که ما را در بین دزدان و آدنگشان به زندان افکند. برای همین جرم هاست، که ما را محاکمه میکنند. برای همین جرم هاست، که دستور محکوم کردن ما را صادر کرده اند. این "جرم" ها، که رفیق نورالدین کیانوری، این بزرگمرد تاریخ مبین ما، آنها را در بیدادگاه شاه بر شمرد، با "جرم" هائی که او ۳۳ سال بعد در نامه سرگشاده کمیته مرکزی به دولت مردان جمهوری اسلامی نوشته است، تخییراً ماهی را نشان نمی دهند. رفیق کیانوری در نامه سرگشاده (اردیبهشت ۱۳۶۱) می نویسد: بقیه در صفحه ۴

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای حفظ و تثبیت حقانیت فعالیت قانونی سیاسی حزب توده ایران و با وجود آگاهی کامل به خطری که سلامت و آزادی آنها را تهدید میکرد - و این تهدید و پرونده سازی راستگرایان علیه خود را ۹ ماه پیش در نامه سرگشاده ای به دولت مردان جمهوری اسلامی اعلام کرده بودند - به تعهد که در مقابل دوستان خلق کرده بودند، پایبند ماندند، تا یکبار دیگر نشان دهند و یکبار دیگر پیاموزانند، که فرصت طلب نبودند و نیستند! تا یکبار دیگر نشان دهند و یکبار دیگر پیاموزانند، که آنانی که شرافتمندان از حقوق زحمتکششان دفاع می کنند، نیازی هم به فرصت طلبی ندارند!

حزب ما و در راس آن رفیق کیانوری اعلام کرده است، که پشتیبان صادق خط ضد امپریالیستی و خلفی مسلمانان مبارز بوده و به تعهداتی که آنها برای احترام به حقوق دگراندیشان مدافع انقلاب کرده اند، اعتماد دارد. ما این اعتماد خود را در عمل هم اثبات کردیم و بنا به اصرار و تاکید مقامات رسمی وزارت کشور،

ضد انقلابی علیه آن را او عده ترین وظیفه خود در چهار سال پس از پیروزی انقلاب نیز اعلام کرده و لحظه ای از پایداری بر سر پست و در سنگر خود برای خدمت به این وظیفه تاریخی، برای حراست از میهن انقلابی تعلل نشسان نداده است!

آری، اکنون جمهوری نوای ایران، همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما مورخ ۲۷ بهمن ۶۱ آمده است، "زندانیان بهترین مدافعان جمهوری اسلامی است."

رفیق نورالدین کیانوری، که روزی (۱۳۲۸) در مقابل قضات دادگاه شه فرموده ایستاد و اعلام کرد، که "ما مبارزان حزب توده ایران سرنازان راه آزادی هستیم و امروز که قدم در این راه پر خطر نهادیم، زندگی خود را وقف کردیم"، نه در حرف، بلکه در عمل نیز نشان داد که چگونه بر سر عهد و پیمان خود استوار باقی است.

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای دیگر یازدهم شده رهبری حزب ما آگاهانه و با تحلیل روشن علمی و انقلابی خود، برای حراست از اصل ۲۶

نورالدین کیانوری بزرگمرد تاریخ معاصر ایران

ولی چون پیش از رفتن به آلمان در درسهای شبانه دکتر تقی ارانی شرکت کرده بود، اداره سیاسی شهرستانی او را عنصر نامطلوب معرفی نمود که منجر به خلع درجه او و اعزامش به سربازخانه به عنوان سرباز ساده شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و از هم پاشیدن سربازخانه ها، او نیز به خانه بازگشت و چندی پس از آن استاد دانشکده معماری تهران گردید. یکسال پس از بنیان گذاری حزب توده ایران در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ رفیق کیانوری نیز وارد این حزب پیشاهنگ پرولتاریا و دنبال کننده راه حزب کمونیست ایران شد. سه سال بعد او را به عنوان عضو کمیته مرکزی برگزیدند و در سال ۱۳۲۶ عضو هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران گردید. در سال ۱۳۲۷ پس از غیر قانونی اعلام شدن حزب توده ایران توسط حکومت دست نشانده شاه رفیق کیانوری به همراه گروهی از رهبران و اعضای حزب به زندان افکنده شد. یک دادگاه نظامی او را محاکمه و به ده سال زندان محکوم کرد. رفیق کیانوری در دادگاه سخنان مفصلی پیرامون دوران بیست ساله حکومت رضاخانی ایراد کرد، که طی آن گفت: "حزب توده ایران و مبارزان آن افتخار دارند که بقیه در صفحه ۴

رفیق کیانوری در سال ۱۲۹۴ در شهرستان نور در مازندران زاده شده است. پدر او، یک دموکرات انقلابی و مبارزی فعال در انقلاب مشروطیت، شش ماه پیش از تولد او توسط پیک ضد انقلابی در خیابان ترور شده بود. پس از پایان جنگ بین الملل اول، در سال ۱۲۹۸ مادر او همراه چهار فرزندش، یک دختر و سه پسر، به تهران بازگشت و با خیاطی و دیگر کارهای دستی توانست زندگی محقری را بسرای فرزندانش تأمین کند تا از تحصیل محروم نشوند. رفیق کیانوری بر اثر حمایت مادر فداکار و زحمتکش خویش و خواهر و دو برادر بزرگترش امکان یافت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را با موفقیت به پایان برساند و چون از هوش سرشار ذاتی و پشتکار جدی برخوردار بود او را برای ادامه تحصیل به آلمان فرستادند. او در شهر آخن وارد رشته معماری شد. بهنگام تحصیل در آلمان او همچنین با آثار مارکس، انگلس، لنین و دیگر رهبران جنبش کارگری آشنا شد و تاثیر این آشنائیه بر دانشجوی جوان چنان بود که او را برای سراسر عمر به پیکار برای بهروزی توده زحمتکش پای بند کرد. او در روزهای جنگ بین المللی دوم با عنوان دکتر در معماری به میهن بازگشت و برای گذراندن خدمت سربازی وارد دانشکده افسری گردید.

نورالدین کیانوری بزرگمرد تاریخ معاصر ایران

بقیه از صفحه ۳

پیوسته حوادث دنیا و ایران را با منطق علمی خویش سنجیده ، بر اساس مصالح ایران عزیز به اتخاذ تصمیم برداشته و تا پای جان بر سسر تصمیم خود ایستاده اند . سپس او به همراه دیگر رهبران زندانی به کمک هواداران حزب در ارتش و نیروهای انتظامی موفق به فرار از زندان گردید . او و دیگر رهبران حزب کار مخفی را آغاز نمودند . رژیم شاه وی را قیابا محکوم به اعدام کرد .

در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ ، حزب نقش بسیار فعالی در مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران که منجر به ملی شدن صنایع نفت گسردید به عهده داشت . پس از کودتای خائنه امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، شاه و اربابان آمریکا و انگلیسی این تمام نیرو و امکانات خود را علیه حزب طبعه کارگر ایران که آنرا دشمن اصلی بشمار می آوردند بکار انداختند . بسیاری از رهبران و فعالین حزب قربانی موج تروریسم پس از کودتای سیا ساخته گردیدند . آنان یا در زیر شکنجه به شهادت رسیدند و یا به جوخه های اعدام سپرده شدند . در چنین شرایطی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی کمر بنا بودی حزب طبعه کارگر ایران بسته بودند برای تداوم امر مبارزه لازم بود که دو سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد عده ای از رفقای رهبری حزب به خارج از کشور عزیمت نمایند .

طی سالهای مهاجرت ، رفیق کیانوری بویژه نقش بسیار با ارزشی را در سازمان دادن مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ایفا کرد . بسیاری دستاردهای مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه ، از جمله قوت گرفتن و فعال شدن هسته های حزبی در درون ایران و صون ماندن نشان از گزند ساواک و سیا و موساد ساخته شاه حاصل فعالیت شبانه روزی و راهمناشیهای خردمندانگ است .

پس از انقلاب شکوهمند مردمی و ضد امپریالیستی بیستم ماه رفیق کیانوری که دیگر دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران بود به میهن بازگشت و برای گسترش هرچه بیشتر فعالیت حزب در راه تثبیت و تحکیم انقلاب و پیاده گسردن شعارهای اصلی آن آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی تمام انرژی ، دانش و تجربیات سیاسی و سازمانی خود را در خدمت حزب و خلق گذاشت و تا بازداشت ناخواندانه خود لحظه ای از فعالیت در اجرای این اهداف بالا باز نایستاد .

کسانیکه با گفته ها و نوشته های او در این سالها آشنا شده اند و بویژه پرسش و پاسخ ها و تحلیل های دقیق و روشننگرانه او را پیرامون حوادث کشور و توطئه های ارتجاعی - امپریالیستی علیه انقلاب شنیده و یا خوانده اند بخوشی می دانند که چرا ضد انقلاب در چهره او خطرناکترین دشمن و بزرگترین مانع رادرسر راه تحقق نقشه پلیدش می دیده و به چه علت توسط عوامل نفوذیش در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران این توطئه

دروغ آتشین به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۳

”جرم ما اینست که از دیرزمان راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص داده ایم . جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را ، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و بینگری بسر مواضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم ، ایستاده ایم .

جرم ما اینست که ماهیت لیبرال ها ، امیران نظام ها ، بنی صدر ها ، قطب زاده ها ، بازرگان ها ، یزدی ها ، صباغیان ها ، قاسمی ها و سنجایی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا ، به موقع افشا کردیم .

جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳ ، بدون هراس از عواقب آن برای خودمان ، شریعتمداری ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت مبارز و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی پشتیبانی کرده ایم .

جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریانات خائنه و ضد انقلابی را ، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم است ، شناخته ایم و ماهیت خونخوارش را عریان ساخته ایم .

این هاست ”جرم های سنگین و گذشت ناپذیر ما !

این هاست علت اساسی عطف تسلی ناپذیر دشمنان حزب ما به خون توده ای ها !

این هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماههای اخیر برای پرورده سازی علیه حزب ما به راه افتاده و هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد !

آری ، رفیق کیانوری با چنین مواضع روشن خلقی ، بایک عمر پریار در خدمت زحمتکشان میهن ما اکنون در زندانی است ، که جمهوری اسلامی ایران زندانبان آن است و بار ”جرم“ هاشی را به دوش می کشد ، که به قول اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما ، ”برنامه های تحول اجتماعی بسود زحمتکشان و دفاع از حقوق آنان“ است . این برنامه ها ، که ”تاکتیک کمونیستی“ نامیده میشود و بنا به فرهنگ ننگین و پلیسی رژیم مغفور پهلوی خود بخود و بی محاکمه محکوم بود ، از این پس علاوه بر آن ”جاسوسی“ هم تلقی می شود (همانجا) .

این زندگیشامه مبارزه جویانه و زلال رفیق نورالدین کیانوری ، دبیر اول حزب ما ، نه فقط مایه فخر و مباهات هر توده ای است ، نه فقط سرمایه نبرد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و خلقی مردم میهن ما برای تأمین یک زندگی شرافتمند و برونمند است ، بلکه ستاره درخشانی در صحنه نبرد نیروی نو و کهن نیز است !

بگذار زندانبانان از میهن پرستان انقلابی خالی و مزه ها ، کارخانه ها و صحنه نبرد خلق متحد علیه دشمن امپریالیستی و ضدانقلابی از آنها بریاید !

رذیلانه را علیه او به راه انداخته است . همه اعضا و هواداران حزب توده ایران ، تمام زحمتکشان آگاه و مبارز ایران ، سازمانها و گروهها ، پیشرو و انقلابی و همه آن مسلمانان مبارزی که طی این چهار سال شاهد خدمات پرارزش و بیدریغ حزب و دبیر اول کمیته مرکزی آن به انقلاب بوده اند به این بازداشت های قانون شکنانه اعتراض می کنند و آزادی فوری همه دستگیرشدگان و در درجه اول رفیق نورالدین کیانوری و رعایت اکید آزادیهای سیاسی و اجتماعی پیشبیتی شده در قانون اساسی را که خوبپایش زحمتکشان انقلابی میهن عزیز ما ایران است طلب می کنند .

احسان طبری

دروغ ، بهترین اثر از مستمگران

لعن بر دروغ!

لعن بر دروغ!
دروغ ز رواندود . دروغ ریاکار ، دروغ زورمند!
دروغ راست نفا و کفره ساز!
دروغ مجهر به سکه و سرنیزه!

بگذار ، از خود خرسند بقرد
ولی ما دروی به خواری می نگریم
بگذار آدمیان را آذین دازها کند
ولی ماه خدلاش باورمندیم
زبوا سنگ دلی او فرزند بیم اوست.

خجسته باد راستی!
فروتن ، بی پوایه ، پارسا!
کنج نیروی حیرت انگیز
که بانج معجز سینه شبرامی درد
و خونها و اشکها آبدیده اش می سازد.

اورا از دترساکه پروالی نیست
چون لک سوار کربلا در چنبره سپاه یزید
چون سیاوش پاکدامن در آتش خشم افراسیاب.

در کلبه بی رونق حرمان باحقیقت زیستن
به که ، فرعونیی بودن برادریکه دروغ
بالباری از چابلوسان پای بوس.

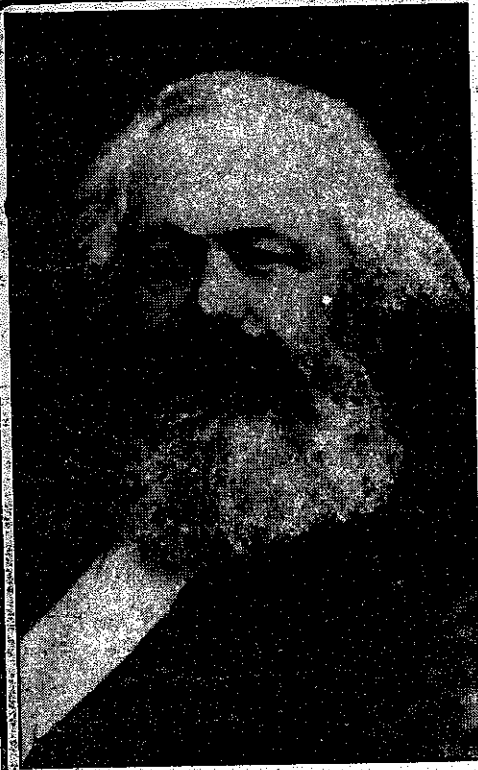
در پروزی باشکست با تو ایم ای حقیقت!
زبوا شکست با تو فضیلت و فتح با تو عدالت است

وشما ای گروه یزدل که در چاهساز غوازیه خود
زندانی هستید:

در مقابل هربادی سر فرود آورید!
از عرق جامعه بهره گیرید و به سرنوشت آن بی اعتنا
باشید!

وشمای معرستمگر که سر کوب غیظ آلود حقیقت
رعز وجودی شمس است
از طلوع آن بهراسید . زیرا طلوعی است ناگزیر
به ناگزیری بامدادی که از بطون شب
و بهاری که از درون زمستان می شکفت

صد سال از درگذشت آموزگار کبیر پرولتاریای جهان می گذرد



۱۴ مارس ۱۹۸۳ مصادف است با صدمین سالروز درگذشت کارل مارکس آموزگار کبیر پرولتاریای جهان و بنیانگذار سوسیالیسم علمی.

کارل هاینریش مارکس در ماه مه ۱۸۱۸ در شهر "تیر" آلمان در خانواده یک حقوقدان مترقی متولد شد. او پس از پایان دوره دبیرستان در سن ۱۷ سالگی، به درخواست پدرش در رشته حقوق دانشگاه بن به تحصیل پرداخت. مارکس که از استعداد خارق العاده‌ای برخوردار بود، در سن جوانی با زحمات شبانه روزی به فراگیری فلسفه و تاریخ پرداخت. او پس از اخذ دکترای فلسفه از دانشگاه "ینا" خیال داشت در دانشگاه به تدریس بپردازد ولی مناسبات ارتجاعی موجود و سانسور وحشتناکی که برای جلوگیری از گسترش اندیشه‌های مترقی از طرف طبقه حاکمه بر جامعه تحمیل شده بود، او را مجبور کرد از این فکر دست بردارد.

مارکس بخاطر داشتن معلومات وسیع، شجاعست و صراحت در بیان مطلب و قدرت استادانه در زمینه نویسندگی، از طرف روزنامه مترقی "راینیشه تسا یوتنگ" به همکاری دعوت شد و خیلی زود با نوشتن مقالات آتشین در دفاع از محرومین و توده‌های خلق، به مقام سردبیری روزنامه رسید.

پروژوی وحشت زده پروس فوراً بسراغ این روزنامه آمد و آنرا غیرقانونی اعلام کرد. مناسبات ارتجاعی حاکم که امکان ابراز عقاید را سلب کرده بود، مارکس را مجبور به جلائی وطن نمود. مارکس به فرانسه رفت و در آنجا علاوه بر مطالعه پیگیر آثار سوسیالیستهای پندارگرا و اقتصاددانان و فلاسفه کلاسیک عصر خود، با جنبشهای زیرزمینی مترقی هم تماس برقرار نمود. مبارزات طبقه کارگر فرانسه

و کمون پاریس و انقلاب سال ۱۸۴۸ در آلمان تاثیر بسزایی در تکامل اندیشه های مارکس بر جای گذاشت. مارکس در سال ۱۸۴۴ با فریدریش انگلس آشنا شد و بزودی دوستی عمیقی بین این دو بوجود آمد. مارکس و انگلس مستقل از هم به این نتیجه رسیده بودند، که پرولتاریا زمانی میتواند بطور انسانی زندگی کند، که مناسبات سرمایه داری را براندازد و به جای آن نظامی عاری از بهره‌کشی مستقر سازد. آنها استقرار چنین نظامی را فقط نتیجه جانفشانی و شجاعت طبقه کارگر میدانستند، بلکه معتقد بودند که این طبقه باید به یک تئوری مدون علمی و بیگ سازمان منسجم سیاسی نیز مجهز شود.

مارکس مسئله تحول جامعه سرمایه داری به جامعه نپین سوسیالیستی را در عین حال که یک سلسله سیاسی (حاکمیت) میدانست، یک مسئله اقتصادی (مالکیت) نیز ارزیابی مینمود. او متذکر میشد که مزد و سود بطور عینی و بدون مداخله کسی (و از جمله خواست خودکارگران) در نقطه مقابل هم قرار دارند و تنها تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و جانشین کردن مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی سرمایه داران بر وسائل تولید چنین تقابلی را از بین خواهد برد.

مارکس و انگلس با نبوغ خود آموزش سوسیالیسم علمی را بنیاد نهادند و در آنها اثر ارزشمند بعنوان ارنیه معنوی خود بر جای گذاشتند، که بعدها توسط نپین در شرایط نپین تاریخی بسط یافت و در مجموع خود مارکسیسم-لنینیسم یعنی جهان بینی انقلابی و علمی عصر ما را خلق کرد.

مارکس میگفت: "فلاسفه، تنها به صور گوناگون جهان را توضیح داده‌اند، ولی مسئله بر سر تغییر جهان است."

آری مسئله بر سر تغییر جهان بود و به همین دلیل مارکسیسم سرعت به ابزار پرتوان دگرگون ساختن جهان بدل شد و قلوب و عقول نیروهای انقلابی جهان را تصرف کرد. آموزش مارکسیسم-لنینیسم ابدأ پندار و رویا نیست. پابرسی تاریخ در سبیر دراز مدت آن میتوان فهمید که چگونه از آخر شعله بر میخیزد، چگونه از کتاب کوچک مانیفست که در سال ۱۸۴۸ توسط مارکس و انگلس نگاشته شد جنبش عظیم انقلابی عصر ما پدید آمد و چگونه از خاکستر یک روسیه فقیر پس از جنگ داخلی سال ۱۹۲۱ و جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی مقتدر دوران ما قد علم کرد.

روزه‌های سرمایه داری و ارتجاع جهانی در قبال این آموزش کبیر که قدرتش در علویت پیگیر است خفیر و ناخیز است. تاریخ عصر ما روایتگر سیر ظفر نمون این اندیشه انقلابیست، که دشمن هرگونه جزم گراستی و خشک مغزی است و ذخیره مقولات، احکام و استنتاجات خود را بی وقفه از گنجینه نیرو انقلابی خلقها و سیر جوشان علوم طبیعی و اجتماعی عصر ما سرشارتر میکند.

آری در جهان بینی مارکسیستی یک سخن هم رویا بافانه بمعنای جدا از واقعیت تاریخی وجود ندارد. هم اکنون وجود سوسیالیسم واقعی غوغائی در تاریخ برپا کرده و افق پدید آورده که بیسابقه است. بسا این حال آینده بیش از گذشته شاهد تحقق عملی این پیروزی جهانشمول خواهد بود.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، کسه مارکسیسم-لنینیسم جهان بینی انقلابی پرولتاریا را بر پرچم خویش نوشته است، همیشه آنرا بمثابة قطب نمای آزموه‌های در سمت یابی اجتماعی-تاریخی بکار برده است.

افتخار بر کارل مارکس داهی بزرگی که آغازگر این شاهراه شگرف اندیشه و عمل انقلابیست و اکنون پس از سپری شدن یک قرن از سالروز درگذشتش جوانتر و پرخون تر از همیشه میزد. درود بسر انسانهایی که زیر درفش ظفر نمون علمی و انقلابی مارکسیسم-لنینیسم، در راه رهایی کار از بردگی مزدوری و نجات خلقها از ستم پیکار میکنند!

سیاست آشنا

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و برچیدنه شدن پایگاههای آمریکائی دو چند آن شد ماست. اما پس از پیروزی سوسیالیستها و عیوما تقویست نیروهای چپ پس از انتخابات اخیر ادامه وجود همین پایگاهها به خطر افتاده است. مردم همراه نیروهای مترقی کشور و در رأس آنها حزب کمونیست یونان خواستار برچیدنه شدن این پایگاهها و خروج یونان از پیمان تجاوزکار ناتو هستند و خواست خود را طی تظاهرات و میتینگهای متعدد به گوش دولت و جهانیان رسانده‌اند. دولت پاپاندرو که سیاست چندان پیگیری در این رابطه مطهرغم قولهای پیش از انتخابات، ندارد از آمریکا خواست تا پیشنهاداتی برای اشکال ادامه کار پایگاهها ارائه دهد و موعدی نیز برای ان مقرر کرد. و نیز تهدید کرد که اگر این کار انجام نگیرد مذاکرات را قطع کرده و تصمیم خود را خواهد گرفت. و درست اینجاست که "دیپلماتی قسری" بقیه در صفحه ۱۲

اخیرا نشریه هندی "پانتپوت" سند نسری را فاش ساخت که طبق آن آمریکا لزوم انجام عملیات خرابکارانه علیه هر جریان یا کشوری که سیاست ضد آمریکائی دنبال میکند و یا در حال در پیش گرفتن چنین سیاستی است را یکی از وظایف مهم استراتژیک خود قرار داده است. (را توده شماره ۲۷)

یکی از کشورهایی که در حال پیش گرفتن موضع ضد آمریکائی است و دولت آن دیگر نمیخواهد انجام دهنده دستورات رسید از واشنگتن و بروکسل (مرکز ناتو) باشد یونان است.

چنان که میدانیم حزب سوسیالیست این کشور با پیروزی در انتخابات دولت این کشور را تشکیل داده است. یونان عضو ناتو است و از اهمیت خاصی برای آمریکا و ناتو بعنوان جبهه جنوبی آن برخوردار است. اهمیت استراتژیک این کشور بعنوان پایگاه هوائی و دریائی برای عملیات در خاور نزدیک و میانه پس از پیروزی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره بازداشت غیرقانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن

بقیه از صفحه ۱

بازداشت غیرقانونی رهبران حزب، وارد آوردن اتهامات بی اساس به آنان و تهدید آشکار حزب و همه دگراندیشان، امری اختصاصاً مربوط به حزب توده است. ایران نیست، امری است مربوط به سرنوشت انقلاب و در جهت تحکیم مواضع مالکان و سرمایه داران بزرگ در حکومت. چنانکه میدانیم، نبرد میان دوگرایش، در چهار سال پس از پیروزی همواره وجود داشته و انقلاب باز فراز و نشیب های بسیار گذشته است. اما در این چهار سال آنچه مدام سیر صعودی داشت در آمد غارتگرانه سرمایه داران بزرگ تجاری و مالکان بزرگ زمینهای مزروعی و صنایع شهری بود، که در دست پس از پیروزی انقلاب با سو استفاده از دسواریهای ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ و پیسی برنامه گسی دولت سودهای غیر قابل تصویری کسب کرده و مواضع خود را در اقتصاد کشور مدام تحکیم و تقویت کردند. آنها موفق شدند همه نیروهای ضد جمهوری اسلامی را از حقیقه گرفته تا ساواک، از قشری گرفته تا لیبیرال، حول محور بازار متمرکز و متشکل کنند و در برابر خط مردمی انقلاب سنگر بگیرند.

گرایش مدافع سرمایه، طی چهار سال گذشته و بویژه در یکسال اخیر علاوه بر تقویت مواضع اقتصادی بازار، موفق شد در سیاست خارجی کشور مواضع مهمی را اشغال کند.

درست است که شعار "مرکز بر آمریکا" هنوز از میان نرفته ولی عملاً بخش اعظم بازرگانی خارجی و اصولاً مناسبات خارجی ایران بسه کشورهای امپریالیستی اختصاص دارد که آمریکا هم بطور مستقیم و غیر مستقیم جای مهمی در آن اشغال می کند. با وجودیکه در چهار سال پس از انقلاب، محافل امپریالیستی لحظه ای از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نایستاده و حتی از دخالت نظامی و تهدید آشکار به تکرار وسیع تر آن نیز احتراز نکردند و نمی کنند، گرایش راست، موفق شد بهترین مناسبات واقعی و خارج از تعارف را با آنها و کشورهای وابسته به آنها از نسوع ترکیه و پاکستان حفظ کند و گسترش دهد و در عوض مناسبات با کشورهای پیشرویی چون لیبی، سوریه و الجزایر، را در حد تعارف نگاه دارد و هر چند گاه تیره سازد.

سیاست نه شرقی نه غربی که میتوانست به معنای عدم تعهد و استقلال طلبی تعبیر شود از طرف راستگرایان و عمال امپریالیسم بسه صورت سیاست ضد شوروی و ضد کشورهای سوسیالیستی تعبیر شد و تا به آنجا رسید که اگر کشورهای امپریالیستی علیه ایران توطئه می کنند، مناسبات خود را با ایران تیره می سازند، اینان برای "حفظ توازن" سیاست حادثه سازی و تیره کردن مناسبات با کشورهای سوسیالیستی را تشدید می کنند.

البته این گرایش راست طی چهار سال گذشته با مقاومت جدی نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در حاکمیت و پیرامون آن روبه رو بوده است و گرچه گرایش انقلابی توانسته است در مقاطعی گامهای پیروزمندانه ای به پیش بردارد، اما متأسفانه بواسطه ناپیگیری و معاشات در مقابله با نیروهای راست گرای مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، نتوانسته است اقدامات قاطع و بنیادی بسود محرومان - که شرط ناگزیر پیروزی انقلاب است - انجام دهد و در برابر فشار و شانتساز امپریالیسم و محافل راستگرا گام به گام عقب نشسته است.

در آستانه پنجمین سال پیروزی، انقلاب ایران وارد مرحله خطرناک و سرنوشت سازی شد. چهار سال پس از پیروزی دیگر ممکن نبود که مسائل اساسی اجتماعی معلق بماند و تکلیف سیاست داخلی و خیابان رچی کشور روشن نشود. مسائل اساسی چون: زمین، قانون کسار،

بازرگانی خارجی، جای سرمایه های بزرگ (به اصطلاح بخش خصوصی) در صنایع و بازرگانی، مسکن و مالک و مستاجر آزادی مطبوعات معنای واقعی سیاست نه شرقی، نه غربی و مسائل بنیادی دیگری از این نسوع در دستور روز قرار گرفت و میبایست حل شود. در این جا بود که افراطیون راستگرا با جمع آوری همه نیروهای ارتجاعی و با کمک همجانبه امپریالیسم هجوم آشکار خود را آغاز کرده و مواضع مهمی را در اقتصاد و سیاست کشور بدست آوردند. طبیعی است که آنان بهمین حسد بسنده نخواهند کرد و تا وقتی که حاکمیت بلامنازعی بدست نیآورند از پای نخواهند نشست. ملاکین و سرمایه داران در ساری و فراری نیز که با تضمین و تامین به کشور باز می گردند، به پس گرفتن اموال غارتی اکتفا نخواهند کرد و جای گرمی در حکومت خواهند خواست.

هجوم به حزب توده ایران که قاطع ترین مدافع حقوق زحمتکشان است درست در همین رابطه انجام می گیرد. حزب توده ایران برای تحویل بنیادی اجتماعی برنامه روشن و علمی دارد و از مدتها پیش تاکید کرده است که سرنوشت انقلاب در گرو حل مسائل اجتماعی است. حزب توده ایران برای واگذاری زمین به دهقانان و افزایش سریع تولیدات کشاورزی، برای صنعتی کردن کشور و تامین استقلال اقتصادی کشور، برای قانون کار انقلابی و تامین حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای ملی کردن بازرگانی خارجی، بسرای تامین مسکن توده های محروم شهر و ده، برای گسترش تعاونی ها و توزیع عادلانه داخلی، برای تامین آزادی مطبوعات و احزاب انقلابی بسرای اجرای یک سیاست خارجی ملی، مستقل و انقلابی - و در یک کلمه برای زرفش و گسترش انقلاب و رفع دسواریهای آن - برنامه ها و طرح های روشن و قابل اجرایی داشته که آنها را برای اطلاع عموم منتشر کرده است.

همه این برنامه ها در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منطبق با نص صریح و روح آن بوده است.

مدافعان مالکیت های بزرگ و سرمایه های کلان، که دشمن انقلاب، جمهوری اسلامی و قانون اساسی آنند، با تمام این برنامه ها مخالفند و اینک که مسائل اساسی اجتماعی در دستور روز قرار گرفته و برنامه های حزب توده ایران بعنوان بهترین راه حل انقلابی نظر توده های وسیع را بخود جلب می کند، راستگرایان افراطی تنها راه مقابله با آنرا در افعال فشار و ایجاد شرایط اختناق می جویند.

لحظه ای که برای هجوم به حزب توده ایران انتخاب شده، لحظه حساسی است، از یکسو کشور، با دسواریهای اقتصادی و اجتماعی جدی روبروست، گرانی بیداد می کند، توده های ستمکش از تامین حداقل زندگی عاجز مانده اند و دولت موظف است که به نیاز آنها بهر صورت پاسخی بدهد. از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا و متحدینش در داخل و خارج فشار به جمهوری اسلامی ایران را به حد اکثر رسانده و دخالت نظامی مستقیم را تدارک دید مانده.

متأسفانه جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران نیز با کمک امپریالیسم به حالت فرساینده ای در آمده و بخش بزرگی از توده های انقلابی را در جبهه ها مبار کرده و تحلیل می برد.

در چنین لحظه ای است که راستگرایان افراطی و مدافعان سرمایه و مالکیت های بزرگ هجوم به حزب توده ایران را بعنوان "راه حل" مشکلات تجویز کرده اند. تا با حادثه سازی و ایجاد محیسط رعب و خفقان، نیروهای مردمی و ضد امپریالیست و مدافعان توده های

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۶

محروم را فلج کنند و زمینه را برای وارد آوردن ضربه نهائی فراهم آورند.

حساب محافل ارتجاعی و راستگرا از هجوم به حزب توده ایران و متهم کردن آن به اتهامات ناروا اینست:

۱- تخم نفاق، بدگمانی و بی اعتمادی میان نیروهای انقلابی پاشیده می شود و اتحاد عمل آنان در دفاع از انقلاب و جمهوری تاحد غیر ممکن دشوار می شود و جمهوری بلاد دفاع میباند.

۲- دفاع از برنامه های تحول اجتماعی بسود زحمتکشان و دفاع از حقوق آنان جبهه تلقی میشود. تا کنون این برنامه ها "کمونیستی" نامیده میشد و بنا به فرهنگ ننگین و پلیسی رژیم منفره پهلوی خود بخود بی محاکمه محکوم بود، از این پس علاوه بر آن "جاسوسی" هم تلقی می شود.

۳- به اعتبار جمهوری اسلامی در ایران و جهان ضربه سنگین وارد میشود و این جمهوری در مجموع خود تضعیف می گردد.

۴- مربوط کردن بازداشت رهبران حزب با اتهام زشت و بی اساس "جاسوسی" "پای کشورهای سوسیالیستی را هم به میان می کشد و بسا یک حادثه سازی و خرابکاری عمدی مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی را تیره میسازد و دست امپریالیست ها را در اعمال فشار به ایران باز می گذارد.

۵- آخرین و مهمترین هدف طراحان واقعی و پشت پرده "هجوم به حزب توده" ایران - صرف نظر از اینکه مجریان این طرح چه کسانی و با چه نیتی باشند - ایجاد بی ثباتی در کشور و زمینه چینی بسیاری سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

در چهار ساله پس از پیروزی، ایجاد و حفظ بی ثباتی در کشور، یکی از ارکان سیاست امپریالیسم و عمل آن بوده است. در این سالها طرح توطئه های کودتائی، بمب گذاری، ترور، حمله به دفاتر حزب و روزنامه ها، به آتش کشیدن کتابفروشی ها، جلوگیری از گشایش دانشگاه ها، بهانه کردن حجاب و منکرات و غیره برای ایجاد محیط تشنج در کشور و بالاخره مدخله نظامی در طبرستان و حمله خائنانه رژیم عراق به کشور یکی پس از دیگری تدارک شده و به صحنه آمده تا جمهوری اسلامی ایران امکان تثبیت و استحکام پیدا نکند و هر روز با حادثه های روبرو باشد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، "سیا" و سایر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی برای نفاق افکنی، ایجاد سوء تفاهم و بجان هم انداختن گروه های سیاسی، هیچ فرصتی را از دست نداده و از کسوف چکترین اشتباه سازمانها و جریانهای سیاسی، برای درگیر کردن جمهوری اسلامی ایران با آنها بهره جستند.

در باره "حزب توده" ایران که کمترین نقطه ضعفی نداشته و ندارد، محافل راستگرا طریق پرونده سازی آشکار را پیش گرفته اند.

هم میهنان، کارگران و زحمتکشان ایران

در تمام دوران چهار ساله پس از پیروزی انقلاب، سیاست حزب توده ایران درست نقطه مقابل سیاست محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم و نمایندگان قشری، لیبرال، مالکان و سرمایه داران بزرگ بوده است. ما برخلاف آنها، هرگز راه نفاق عرفتی، معتقدات خود را از کسی پنهان نکردیم و بر اساس مواضع روشن سیاسی - ایدئولوژیک خود، از خصیلت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دفاع کردیم و تسلیح پایبندان دفاع خواهیم کرد.

ما در این چهار سال از هر گام مثبت جمهوری اسلامی ایران حمایت کردیم و هر اقدام نادرست و ناقص را دلسوزانه و با صراحت مورد انتقاد قرار دادیم.

در تمام این سالها که سیاست امپریالیست ها و عمل رنگارنگ

آنها - در اتحاد با خادمان سرمایه های بزرگ - توطئه گری، خرابکاری و ایجاد تزلزل بود، ما تمام نیرو و توان خود را در راه خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تثبیت جمهوری اسلامی ایران صرف کردیم و کوشیدیم که با گرد آوری همه نیروهای انقلابی در صف واحد، انقلاب را بسود زحمتکشان پیش برانیم و استقلال واقعی کشور را تأمین کنیم.

ما با آنچه در توان داشتیم کوشیدیم تا جامعه حالت آرامش منکس به قانون داشته باشد. شرکت فعال ما در رفراندوم و انتخابات ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی، مشارکت فعال ما در نظر خواهی مجلس خبرگان تدوین کننده قانون اساسی، دفاع از نص و روح مردمی این قانون، پذیرش اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب در باره فعالیت قانونی احزاب از طرف ما، شرکت فعال در مناظره تلویزیونی و اسلام صریح نظریات حزب، برهنگان روشن است. ما ضمن اعلام صریح انتقادات خود قبل از همه احزاب آمادگی خود را برای فعالیت در چارچوب قانون احزاب مصوب مجلس اعلام داشته و از دو سال پیش تمام مدارک خود را به وزارت کشور دادیم و تمام مراحل قانونی را - تا جائیکه بما مربوط بود - طی کردیم و از جمله بنا به اصرار و تأکید مقامات رسمی وزارت کشور، فهرست کامل اعضای رهبری و مشخصات و آدرس کامل آنان را به آن وزارت خانه دادیم و بسیار متأسفیم که این مشخصات در بازداشت رهبران حزب ما مورد سوء استفاده قرار گرفته و به اعتبار و امانت مقامات جمهوری اسلامی ایران لطمه جبران ناپذیری وارد کرده است.

متأسفانه کوشش های مداوم، سالم و سازنده "حزب توده" ایران در جهت استقرار و تحکیم حاکمیت قانون، اثر مطلوب نداده و در سیاست حاکمیت ایران کسانی دست بالا را گرفته اند که نقش قانون و سرکوب دگرانندیشان و حتی پرونده سازیهای زشت را راه حل دشواریهای خود و وسیله رسیدن به هدفهای خویش میدانند و خواسته یا ناخواسته راه را برای بازگشت رژیم مستبد و وابسته هموار می کنند.

در چنین شرایطی وظیفه پرافتخار و سنگین دفاع از دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش از پیش به وظیفه عاجل نیروهای صدیق انقلابی و قبیل از همه اعضا و هواداران حزب ما بدل میشود.

با وجود موفقیت نسبی که نیروهای مترجم و راستگرا کسب کرده اند، انقلاب ایران هنوز نیروی عظیمی دارد. امام خمینی و پیروان خط اصلی ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، در گذشته یارها به یاری توده ها، دشواریها را پشت سر گذاشته اند و یا اینکه این بار اوضاع برعکسب خطرناک تر از هر موقع دیگر است، هنوز همه امیدها قطع نشد و می توان و باید از انقلاب دفاع کرد و دستاوردهای آنرا حفظ نمود.

مشی انقلابی حزب توده ایران که متکی بر سنگ خارائی از تئوری علمی و انقلابی است، در این چهار سال درستی خود را بطور کامل به ثبوت رسانید. موافق این مشی اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی و از جمله بویژه انقلابیون مذهبی با پایگاه مردمی و هواداران سوسیالیسم علمی در این انقلاب ممکن و ضروریست. محافل امپریالیستی به اهمیت و ارزش این مشی انقلابی و برد تاریخی آن واقفند و بهر وسیله ممکن از تحقق آن جلوگیری می کنند. این محافل پس از بازداشت رهبران حزب توده ایران از یکسو میکوشند که این اقدام را تا حد یک هجوم عمومی علیه دموکراسی گسترش دهند و از سوی دیگر مشی حزب را زیر علامت سؤال میگذرانند آنها شایع می کنند که گویا مشی حزب شکست خورده و تغییر کرده و گویا توده های هاراه دیگری در پیش گرفته اند.

در حالیکه حوادث اخیر نه فقط درستی مشی حزب ما و ضرورت پیشبرد پی گیری آنرا اثبات کرد، بلکه بویژه امکانات بیشتری برای تحقق آن در پائین در میان توده ها - فراهم آورده است. در این لحظاتی حساس توده ها تجربه می اندوزند و از حوادث می آموزند، این لحظاتی سرنوشت ساز برای نمایندگان توده های محروم نیز تجربه ساز و پند آموز

بقیه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره بازداشت غیر قانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن

بقیه از صفحه ۷

است. باید به این بیداری و تجربه اندوختنی یاری رسانند و جنبه متحد نیروهای انقلابی را در همه سطوح و بویژه در میان توده‌ها پایسته گذاشت و نشان داد که مشی حزب توده ایران برخلاف مشی دشمنان انقلاب، فرصت طلبانه نیست، استوار و پیگیر است و تا پیروزی نهایی انقلاب ادامه خواهد یافت.

بدون تردید اعضا و هواداران حزب متذکر وضع بسیار دشوار و بیخبرگی قرار دارند. آنها از دشمن دانا و دوست نادان صریحانه میخورند و در معرض انواع فشارها و تهدیدها هستند، اما این سرنوشت افتخار آمیز را خود آگاهانه و داوطلبانه برگزیدند و بدون تردید راه اراشی ها و روزگانه ها را با گامهای استوارتری خواهند پیروز و صفحات درخشان نویسی بر تاریخ پر افتخار حزب توده های ما خواهند افزود.

در پایان، در این لحظات حساس و سرنوشت ساز، همه مقامات رسمی، همه سازمانها، احزاب و گروههای سیاسی و همه کسانی را که به پیروزی انقلاب علاقمندند، به احساس مسئولیت دعوت می کنیم - بگذار مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران بخود آیند و از یاد نبرند که در برابر تاریخ و در برابر نسل معاصر انقلابی ایران مسئولند و اگر

امروز بجای مقابله با توطئه های امپریالیسم آب به آسیاب آن بریزند، فردا دیر خواهد بود.

ما بطور جدی به بازداشت رهبران حزب توده ایران و دبیر اول آن رفیق نورالدین کیانوری شدیدا اعتراض کرده و اتهامات زشت و بی اساسی را که به آنان وارد کرده اند، صریحا و کاملا مردود می دانیم. ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که هر چه زودتر و بی قید و شرط این مبارزین صدیق و انقلابیون برجسته و خادمان پیگیر منافع زحمتکشان را آزاد کرده و این ننگ را از دامن این جمهوری بزد آیند که زندانیان بهترین مدافعین جمهوری اسلامی است. ما، بنابه مشی اصولی خود، در این لحظات سرنوشت ساز، همه نیروهای اصیل انقلابی را به اتحاد در برابر امپریالیسم و به همکاری برای ایجاد محیط آرام و باثبات سیاسی در کشور، به گسترش و تعمیق انقلاب بسود زحمتکشان و محرومان دعوت می کنیم.

بگذار زندانها از میهن پرستان انقلابی خالی و مزرعه ها و کارخانه ها پر باشد!
بگذار همه با هم در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع بید واحد باشیم و بجای حادثه سازی و ایجاد تشنج عمومی، همه با هم به کار سازنده بپردازیم و انقلاب را تحکیم بخشیم.

- زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
- برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی ایران
- درود آتشین به زندانیان توده های
- درود آتشین به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶۱/۱۱/۲۷

بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۹

کاملاً برعکس، با تمام اهمیتی که اشغال لبنان برای امپریالیسم آمریکا داشت، ایران از آنهاست برای ما مهمتر است. (امپریالیسم آمریکا) نه تنها در پی کنترل منافع نفتی منطقه است، بلکه ضد دارد این منطقه را نیز مانند اروپا به صحنه تشدید خصومت و تنش فزاینده تبدیل کرده و برای اینکار اکنون بنحو احسن از جنگ ایران و عراق که بقیه گراف جانی و مالی برای هر دو کشور تمام میشود و نیروی آنها را برای مقابله با فشارهای امپریالیسم کاهش میدهد، استفاده مینماید. آمریکا و پاکستان و بکک مرستان سعودی اکنون بکار تشدید جنگ اعلام نشده.

بر علیه افغانستان اشغال دارند و قصد دارند ایران را نیز بدرون این چاه بکشانند. آمریکا اکنون خود را برای مرحله بعد از (امام) خمینی آماده میکند. امپریالیستها اکنون تماس بسیار نزدیک با نیروهای مسلمان راستگرا در ایران دارند و با آنها پشتیبانی می دهند. تجارت بین ایران و آمریکا، بدون سررسد افزایش یافته است. رهبران آمریکا بنظر میرسد ایران را کاملاً فراموش کرده اند. البته این سکوتی است که از آن بوی خشونت می آید. آنها روی همکاری برخی عناصر سطح نظامی، که اکنون بر اثر ادامه جنگ تقویت شده اند، حساب میکنند و آنرا گسترش میدهند.

بعلاوه آنها با جناح محافظه کار روحانیون که اهرمهای قدرت سیاسی را در دست دارند در ارتباطند. البته اینها همه خطر خیانت به مردم ایران، و بازگشت ایران به دوران وابستگی نواستعماری ماقبل بهمن ۱۳۵۷ را در بر دارد بازگشتی که در صورت وقوع، نتایج دهشتنباری برای مردم ایران خواهد داشت. تنها راه خروج از این بن بست اینست که، نیروهای مردمی شامل سازمانهای دیمکراتیک چپ و ملیونها مسلمان مؤمن و رهبران آنها، که به مردم نزدیک اند، موفق شوند به یک پلانتر مشترک برای اتحاد عمل دست یابند تا بتوانند خواسته های توده های از خود گذشته را برآورده سازند، و انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی ایران را بنسبت آزادی و عدالت اجتماعی سبق دهند. در این رابطه، حزب ما بویژه نگرسان بقیه در صفحه ۲

بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۱

آمریکا"، "انجمن دولتی آمریکا و شوروی"، "اتحادیه ملی علیه اختناق نژادی و اقتصادی"، "جبهه ملی ضد امپریالیستی در دفاع از خلق های جنوب آفریقا"، "حزب سوسیالیست پور - توریگو"، "هواداران جبهه دموکراتیک فارابوند - ومارتی السالوادور در شیکاگو"، "خانه نیکارا - گوئه" و "اتحادیه بین المللی زنان برای صلح و آزادی" در شیکاگو و چندین سازمان معتبر ضد امپریالیستی و خلقی دیگر مورد پشتیبانی و قرار گرفت. هواداران انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران با پیام های وحدت پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند.

بخش اول برنامه جشن به ارائه تحلیل از اوضاع و تضاد های کنونی انقلاب ایران اختصاص یافته بود. در ابتدا نماینده هواداران حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن تحلیل شرایط داخلی ایران، به عواملی که به دستگیری رهبران و مسئولین حزب توده ایران، بویژه رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انجامیده پرداخت. وی از جمله گفت:

" هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین سایر مدافعین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، پنجمین سال انقلاب شکوهمند مردم ایران را از سوئی با شادی و از سوئی دیگر با نگرانی آغاز میکنند. شادی از این جهت که انقلاب ما علیه تمام کاستی ها، دستاورد ها و پیروزی هائی بس عظیم بدست آورده و سطح آگاهی و مبارزه سیاسی را به مرحله ای بالاتر ارتقا داده است. و نگرانی از این بابت که کمبود های موجود انقلاب را بطور فزاینده ای در مقابل خطرات راستگرایان و توطئه های امپریالیسم ضد انقلاب صدمه پذیر تر کرده است. در آغاز پنجمین سال انقلاب، نگرانی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

و سایر هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران متوجه خطر توطئه گسترده ای است که امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی علیه انقلاب ایران طرح ریزی کرده اند، توطئه ای که اکنون بدست نیروهای راستگرا و واپس گسرای داخلی تحت عنوان "اسلام" شکل میگردد و اجرا میشود.

وی در پشتیبانی از مبارزات مردم آمریکا بر علیه سلطه انحصارات، که اخیراً با انتخاب یک شهردار سیاه پوست و خلقی در شهر شیکاگو به موفقیت تازه ای دست یافته است گفت: در عین حال مجدداً پشتیبانی خود را از مبارزات مردم آمریکا بر علیه سیاست های ریگان و انحصارات ضد بشری اعلام میداریم. وی خواستار تشدید مبارزه علیه سیاست جنگ طلبانه ریگان شد و گفت: "باید دست در دست هم، بسا کوشش هر چه بیشتر، برای خنثی کردن تلاش دولت ریگان برای تجدید حیات جنگ سرد، تنش فزائی، نابودی همزیستی مسالمت آمیز، و عملیات تجاوزگران بر علیه جنبش های رفاهتی بخش در سراسر جهان فعالیت کنیم". سخنران سخنان خود را با شعار "درود بر کمیته مرکزی قهرمان حزب توده ایران" پایان داد.

اشاره کرد و گفت: " کمی پیش از چهار سال پیش، مردم قهرمان ایران به پیروی از شم انقلابی خود، انقلاب دموکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی خود را به پیروزی رسانیدند. سقوط رژیم فاشیست شاه امپریالیسم آمریکا را دچار تشنج کرد. آمریکا لیسیم آمریکا مانند سگی هار به نشان دادن دندانهای خود پرداخت، اما کمونیست های آمریکا و دیگر آمریکائیان مترقی به این انقلاب بزرگ خوشامد گفتند. گاس هال، دبیر کل حزب ما در آن موقع گفت: "بالاخره دولت آمریکا مجبور شده است که با واقعیت انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک ایران روبرو شود. مشکلات داخلی آن هر چه باشد، اکنون ایران کشوری است مستقل که دیگر تحت سلطه نظام شکنجه گر شاه و ساواک - این سازمان خون آشام تربیت شده، "سیا" قرار ندارد. ایران اکنون کشوری است که دیگر شاهی بخود نخواهد دید و دیگر به ژاندارمی منطقه و خدمت به منافع انحصارات خارجی تن در نخواهد داد. مردمی چون مردم ایران، که از میانشان هزاران نفر کارگر زحمتکش شانه به شانه بلشویک ها برای پیروزی انقلاب کبیر اکبر مبارزه کرده اند (و این چیزی است که ما کمونیست ها هرگز فراموش نخواهیم کرد) برای چنین مردمی، انقلابی بودن اجتناب ناپذیر است.

" تردیدی نیست که در اثر انقلاب ایران، یک پروسه تجدید آرامش نیروها در سطحی بسیار عمیق در خاورمیانه آغاز شده همانطور که

گس هال: علیه هم مشکلی که در آینده برای مردم ایران بوجود آید و نتیجه نبرد کنونی در ایران هر چه باشد، حزب کمونیست آمریکا در کنار مردم ایران خواهد ایستاد!

(امام) خمینی گفته است نبرد "کوخ نشینان" بر علیه "کاخ نشینان" آغاز شده است. اما اینکه دولت آمریکا در این مورد هیچ چیز نمی گوید، نباید حبل بر قهبل انقلاب ایران و بسا بی تفاوتی آن نسبت به کشوری که روزی یکی از مهمترین پایگاه های استراتژیک آن بوده، بشود. بقیه در صفحه ۸

سپس سخنران اصلی جلسه، رفیق "لوتیس دیکین"، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و رئیس کمیسیون آموزش حزب سخنرانی خود را آغاز کرد. وی پس از ارائه تحلیل دقیق از سیاست های تجاوز کارانه آمریکا در خاور میانه، خلیج فارس و اقیانوس هند، بر علیه امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب مردم ایران



جشن چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در آلمان فدرال

ثانیا در اکثر نطقهای کنفرانس، سران کشورها و جنبش های مترقی و ضد امپریالیستی، همانگونه که خواست رئیس جمهور کشورمان نیز بود، شجاعانه علیه آمریکا موضع گرفتند. خانم گاندی در نطق افتتاحیه خویش این ادعا را که گویا هند وستان با ابراز تمایل به گرویدن به اتحاد شوروی اصول عدم تعهد را نقض میکند، رد کرد و گفت:

"سیاست عدم تعهد در حکم امتناع از دفاع از منافع ملی نیست. اتحاد شوروی بسه هند وستان کمک کرده و در دوران سخت از آن پشتیبانی کرده است."
در باره نتایج این کنفرانس در شماره های آینده "راه توده" توضیح خواهیم داد.

آیت الله موسوی اردبیلی: باید جنگ را تمام کنیم

آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در دیدار با اعضای مناطق یازده گانه ارزیابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به مسئولیتهای سنگین سپاه و همه انقلابیون گفت:

"باید جنگ را تمام کنیم، مرزها را ببندیم، خطوط انحرافی را از بین ببریم، باند بازی ها را جمع آوری کنیم و خط امام را در میان خود و دیگران پیاده کنیم."

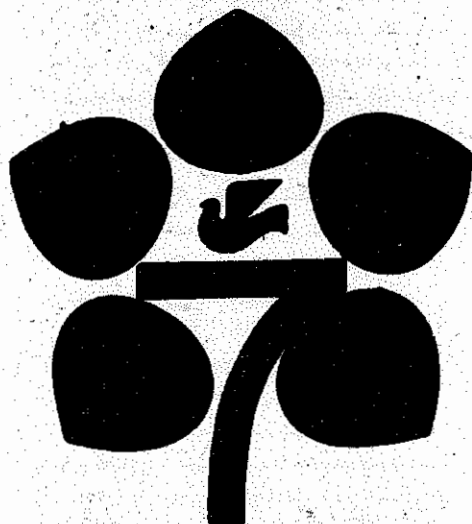
آری، برای آنکه خط امام پیروز شود، برای اینکه "باند بازی ها" جمع آوری شود، برای آنکه خطوط انحرافی از بین برود، باید جنگ را تمام کرد. جنگ تحمیلی، بگفته رفیق کیانوری تاثیر بسیار منفی ای بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران داشته و دارد. برای آنکه در بایم رابطه "خطوط انحرافی" و "باند بازی ها" با جنگ چیست به این گفته رفیق کیانوری در صاحب ما جلسه "رولوسیون" توجه کنیم:

"در پیامد جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران بسه سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرمهای مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و بسا نظا هر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کند تر و کند تر کردند و آنرا به رکود کشاندند."

بنابر این، برای غلبه بر این رکود، باید، هم نظر که امام خمینی بارها تاکید کرده اند و آقای موسوی اردبیلی نیز بار دیگر در پاسخ سؤال خبرنگار صدای جمهوری اسلامی ایران، تکرار کردند، جنگ را باید تمام کرد. ادامه جنگ در شرایط کنونی بسود هرچسک نیست جسز امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل. بهمین دلیل است که رفیق کیانوری می گوید:

"بر پایه این واقعیات، حزب شوده ایران بر آن است که ادامه این جنگ با زیانتهای باز هم بیشتری برای مینهن ما همراه خواهد بود، و برعکس پایان بخشیدن به جنگ طیرغم همه خسارتهای و بقیه در صفحه ۱۱"

آیا "عدم تعهد" بمعنای "بی طرفی" است؟



NON-ALIGNED SUMMIT
NEW DELHI - 1983

هفتمین اجلاس عالی عدم تعهد

دهلی نو ۱۹۸۳

را عمقتر کرده و از تشکیل جبهه متحد کشورها ی در حال رشدی که موضع ضد آمریکائی دارند بسد جلوگیری کرد و برای اینکار باید آنها را منزوی و دفع و یا بجان هم انداخت.

اما باید گفت تعداد کشورهای که سعید ر تعمیق همکاری کشورهای عضو جنبش و گسترش هماهنگی آنها حول اهداف این جنبش دارند در اکثریت بوده و از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی نیز برخوردارند. در بیانیه های منتشر شده از طرف بسیاری از کشورهای که در این کنفرانس شرکت دارند و کشورهای سوسیالیستی بشما به متحدین طبیعی این جنبش شناخته میشوند.

باید جمله بسیار گویائی از اهداف و ما هیست جنبش را از زبان یکی از بنیان گزاران آن و جواهر لعل تهررو نقل کرد که گفته بود: "نباید عدم تعهد را بیطرفی دانست. وی هدف از تشکیل این جنبش را چنین بیان داشته بود: "عامل مشترک مخالفت با تسلط غرب بود و تلاش برای کسب ترقی اجتماعی."

هرگونه تلاش دیگری جز این و جنبش را از محتوی تهی ساخته و اصولا موجودیت آنرا به خطر خواهد انداخت.

نخستین روز های اجلاس سران حاکم از آن بود که اولاً این جنبش تضعیف نشده و نقش آن در سیاست جهانی افزایش یافته است. (خانم گاندی با اشاره زیبایی شکلی "بزرگترین بین اجلاس سران تاریخ" را افتخاری بسرای کشورش خواند، اجلاسی که ۱۶۰۰ خبرنگار از سراسر جهان را به دهلی نو کشانده است.)

هفتمین کنفرانس سران کشورهای عضو جنبش غیر متعهد ها در دهلی نو گشایش یافت. در این کنفرانس هیئت های قریب ۱۰۰ کشور و میهمانان دیگر شرکت دارند. این کنفرانس قرار بود سال گذشته در بغداد تشکیل شود و ولی بعلمت وضع سیاسی عراق و منطقه دهلی نو منتقل شد. قبل از تشکیل این کنفرانس و کارشناسان کشورهای عضو و همچنین وزرای خارجه آنها ملاقات کردند تا مقدمات انجام کنفرانس سران را آماده سازند. در این جلسات طرحهایی برای تصویب نهائی در کنفرانس سران آماده شدند. چنانکه از این اسناد بر می آید هدف اصلی تشکیل کنفرانس را میتوان دفاع از همبستگی کشورهای عضو جنبش برای حفظ صلح و ترقی دانست.

به تناسب گوناگونی طیف های سیاسی شرکت کنند. در این کنفرانس قرار دادن این اصل بسیار لازم به نظر میاید و در عین حال دفاع از آن نیز بسیار دشوار. اما افزایش خطر فاجعه هستمائی و رشد جنبش ضد جنگ و رشد آگاهی خلقها شرایط عینی قرار دادن چنین بحثی را در این کنفرانس فراهم آورده است. چنانکه وزیر امور خارجه هند پیشنهاد کرده است و جنبش باید بر پایه مواضع اصولی ضد امپریالیستی و مواضع روشن خود در باره خلع سلاح و استعمارزدائی و اوضاع خاورمیانه و همچنین اوضاع اقتصادی جفا موقعیت و وحدت خود را هر چه بیشتر تحکیم بخشد.

اما متاسفانه باید اذعان داشت که این برداشتها تنها نظریاتی نیست که پیرامون انجام این کنفرانس و اهداف آن شنیده میشود. محافل ملامتی میکنند با بزرگ کردن مسائل افغانستان و کامبوج و این کنفرانس را از اهداف اصلی خود دور سازند اما تلاش خطرناکتر دیگری نیز که خصوصاً از جانب محافل امپریالیستی بشد به دنبال شده و متاسفناً جریان با نفوذی نیز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران سالهاست آنرا تبلیغ کرده و میکوشند بسه جنبش غیر متعهد ها نیز تحمیل کنند و تز "دوری یکسان از دو بلوک امپریالیستی و سوسیالیستی" است. چنانکه بارها خاطر نشان ساخته ایم کوشش آمریکا در این نهفته است که در جایی که بزرگرافتن از موضع ضد آمریکائی و ضد امپریالیستی بی ثمر است هدف اول پای اتحاد شوروی و سوسیالیسم را نیز در میان کشیده و "شریک جرم" برای خود بترانند.

جالب اینکه همین او اواخر باضلاح توصیه ریگان به مقامات مسئول آمریکا توسط خانم جین کسک پاتریک، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد در يك بخش نامه داخلی توضیح داده شده و در رسانه های گروهی جهان نیز منعکس شده است این توصیه را میتوان چنین خلاصه کرد: باید کوشید اختلاف میان کشورهای جهان سوم

جنگ ایران و عراق مسائل و راه حل ها

بقیه از صفحه ۱

آینده نزدیک بود ، حتی ممکن است جنگ چندین سال دیگر طول بکشد . یعنی عملیات الفجر دیگر بعنوان مرحله پایانی جنگ ارزیابی نمیشود . جنگ عراق علیه ایران تبدیل شده است به جنگی فرسایشی برای نابود کردن امکانات اجتماعی و اقتصادی هر دو کشور برای سالهای طولانی . آیا این تنها راه حل موجود و ممکن است ؟

آقای رفسنجانی بارها و بارها این جنگ را بد رستی تحمیلی ارزیابی کرده است و هدف از تحمیل آنرا در این نماز جمعه نیز بار دیگر تکرار کرد : اشغال خوزستان و منابع نفتی ما ، مسدود کردن بنادر ما در خلیج فارس ، تضعیف و براندازی اسلام انقلابی ، اجرای این نقشه بر اثر ازخسود گذشته ها و قهرمانی های توصیف ناپذیر مردم زحمتکش ایران ، بیبهای دادن قربانیها و قربان و تحمل خسارات وحشتناک ما با شکست مواجه شد . اینک بجز نفت شهر و حوالی آن ، دشمن از بقیه سرزمینهای اشغالی بیرون رانده شده و حتی در برخی نقاط رزمندگان ایرانی چندین کیلومتر وارد خاک عراق گردیده اند . اما جنگ هنوز ادامه دارد .

بیبینید در وضع موجود چه سیاستی برای پایان دادن به جنگ عادلانه تر است ؟ شرایط عادلانه ایران در نخستین روزهای آغاز تجاوز صدامی عبارت بود از : خروج سربازان عراقی از خاک ایران ، برداخت غرامت عادلانه ، مجازات متجاوزان ، تحقق نخستین شرط را بیکار قهرمانانه مردم ایران به دشمن تحمیل کرد . برای تحقق و شرط دیگر انواع و اقسام راههای موثر دیگر وجود داشت و دارد که بر اثر فشار گروههای معین در حاکمیت از آنها استفاده نمیشود .

ادامه جنگ ، یعنی تحمل خسارات جانی و مالی باز هم بیشتر از سوی دولت و ملت ، نه بسود

ملت ایران است نه ملت عراق ، ادامه جنگ تنها به نفع امپریالیسم بین المللی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است تا جای پای خود را در منطقه مستحکمتر کند . ولی در داخل کشور و در داخل حاکمیت انواع گروهها و نیروها وجود دارند که ادامه جنگ را برای تحقق هدفهای شوم خود که بخصوص تضعیف قطعی و کامل اسلام انقلابی باشد ، لازم میبندند .

این عناصر توانستند با طرح شعارها و اهداف غیر علمی تشتت فکری در مورد اهمیت پایان جنگ را در بین مسلمانان مبارز نیز ایجاد کنند . استفساده هائی که تنها بحال این نیروها از ادامه جنگ پس از بیرون راندن شدن ارتش متجاوز گرد مانده عبارتست از : تحمیل انداختن هرگونه اصلاحاتی بسود کارگزاران و ود هفتان و دیگر توده های زحمتکش خلق یعنی جلوگیری از تحقق عدالت اجتماعی که یسکی از شعارهای اصلی انقلاب بود ، پایمال کردن آزادی های سیاسی و اجتماعی پیشبینی شده در قانون اساسی ، سوء استفاده هلی کلان مالی و اقتصادی و وابسته نگاه داشتن و حتی وابسته تر کردن اقتصاد کشور به واردات با واسطه یا بیواسطه از کشورهای امپریالیستی ، ایجاد جو دشمنی نسبت به کشورهای سوسیالیستی و پیرو اتحاد شوروی و کوشش برای انزوای کشور ما حتی در میان کشورهای پیشرو عرب و مسلمان و غیره . اکنون با یورش همه جانبه راستگرایان به آزادی های سیاسی و اجتماعی این گرایشهای منفی بی بند و بار تر گسترش خواهد یافت .

آقای رفسنجانی در خطبه های خود ، سقوط رژیم صدام را برای اینکه امپریالیسم دیگر ژاندارمی در منطقه نداشته باشد ، یکی از شروط اصلی ذکر کرد . مرفنظر از اینکه ژاندارم اصلی آمریکا در منطقه اسرائیل است و ژاندارم دومی که در

حال آماده شدن است دولت اسلامی پاکستان میباشد و علاوه بر اینها آمریکا يك ژاندارم اقتصاد هم دارد که نامش ریستان سعودی است ، ما هم معتقدیم که رژیم صدام باید حساب جنایات بسی شمار خود را علیه مردم ایران و مردم عراق پس بدهد . ولی این رژیم باید توسط خود مردم سرنگون گردد و البته مردم ایران هم حق و وظیفه دارند در این جهت به برادران عراقی خود کمک کنند . اگر این اصل پذیرفته شود ، آنگاه دیگر ادامه جنگ تنها راه رسیدن به تحقق این هدف نیست . خواست محکوم کردن و مجازات متجاوز در هر حال خواستی عادلانه است ولی در ایران آقای رفسنجانی تنها کسی نیست که درباره جنگ نظریات خود را ارائه میدهد . اینکار راهم دیگر مسئولین کشور و هم بسیاری افراد غیر مسئول و در رسانه های گروهی انجام میدهند . منتها از زاویه دید دیگری که چه بسا بر امکانات واقعی و بر منافع مردم ایران و عراق منطبق نیست .

میکویند جنگ ایران و عراق جنگ اسلام و کفر است ، میگویند هدف رزمندگان اسلام " (ونسه رزمندگان ایرانی) باز کردن راه کریمه و قدس و سپس نابودی کفر و استکبار جهانی است ، اهتزاز در آوردن پرچم لاله الاالله بر فراز کاخ سفید و شکن و کاخ کرملین است و تا تحقق اینها در رزمندگان ما باید جنگ را ادامه بدهند .

هدفهایی که اگر تمام مسلمانان جهان هم شریست شهادت بنویسند به آن دست نخواهند یافت چه رسد به ما مسلمانان ایرانی که علاوه بر بیکار علیه توطئه های گوناگون امپریالیسم جهانی ، قشریها و مسلمان نماها برایمان يك دشمن واقعی هم تراشیده اند که همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی را زیر نام "الحساد" در بر میگردد .

باید واقع بین بود و همه جوانب مسئله را بدرستی سنجید و به هدفهای عادلانه و قابل دسترسی بسنده کرد . نباید همه کسانی که برای پایان دادن به جنگ میکوشند "عادل صهیونیسم بین المللی و استکبار جهانی" دانست . در این زمینه باید تاکید کرد که همبزمیاست خارجی ناصحیح حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که بر اثر خرابکاری هجتمه - آنها ، قشریها و مسلمان نماهای نفوذی همال طبقات غارتگر و امپریالیسم بین المللی در منجلاب شوروی ستیزی گرفتار شده است ، عملا ایران را از صف کشورهای ضدامپریالیستی جدا ساخته و در کنار ترکیه و پاکستان ، تکلیکا همای آمریکا در منطقه قرار داده و دارد به منافع ملی ما سخت لطمتی زند .

همان کسانی که در داخل کشور ، بنام اسلام ، رژیم بهره کشی و غارتگری را چهار سال تمام پس از انقلاب دست نخورده نگاه داشتند ، اکنون میخواهند آنرا بطور قطع تثبیت کنند ، بطوریکه در همان نماز جمعه حتی از دل پر درد آقبای رفسنجانی نیز آهی پیر آمد که اگر ما در فقط اسلام راهی برای غلبه بر بی عدالتیها نیابیم جوانان ما در آثار مارکس ولنین بد نیال راه حلی خواهند گشت همانها دارند سیاست خارجی ما را همبزه زانده سیاست خارجی کشورهای امپریالیستی بدل می کنند . تا دیر نشده است باید چشمها را گشود گوشها را باز کرد و دست به کار شد و گرفتار خیلی دیر است .

در هفته ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۰

زیانهای که وارد آورده است ، از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه های شیطانسی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه اثر عمیق خواهد گذاشت مالا بسود انقلاب ایران و گسترش جنبش ضدامپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد .

هر روز که میگذرد ، این واقعیت آشکارتر و روشنتر می شود .

باید قوانین بنیادی انقلابی را تصویب و اجرا کرد

هر روز که از کار " ستاد پیگیری فرمان امل" میگذرد ، این واقعیت بیشتر عیان می شود که

بدون تصویب و اجرای قوانین انقلابی ، اجرای پیام ۸ ماهی امام نیز ممکن نیست . آیت الله موسوی اردبیلی در مصاحبه با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی ایران ، به این مهم اشاره داشت . رئیس دیوانعالی کشور با تاکید بر اینکه مشکلاتی که فرا راه اجرای پیام امام پیش آمده " به کل جامعه " مربوط است و حیظه و وظایف هر سه قوه - اجرائیه ، مقننه ، و قضایی - را در بر میگیرد ، اضافه کرد که حل این مشکلات بدون قوانینی که بیرون کردن مستاجر منضعسفر را غیر ممکن سازد ، جلوی بیکار کردن کارگران را بگیرد و ... ممکن نیست . پس باید قانون کار انقلابی ، قانون مالك و مستاجر انقلابی ، قانون اصلاحات ارضی انقلابی ، قانون دولتی کسردن بازرگانی خارجی و ... را اجرا کرد تا بسا سرمایه دار ظالم ، مالك زورگو ، ارباب چپاولگر ، تروریست اقتصادی و ... مبارزه شود .



در حاشیه سفر پاپ به آمریکای مرکزی

دندان شکنی که همین خلق معتقد و بتدین کسه برای شنیدن موعظه وی گرد آمده بودند ، اثبات مدعی ماست .
 اعدام شش مبارز در کواتالا صادف با سفر پاپ به این منطقه بود . وی این عمل را محکوم نمود اما به همین اکتفا کرد و از سبب اصلی جنایت و جنایات بی شمار در این منطقه که مستبدین نظامی - بازرگان کاتولیک - و حامیان آمریکائی اش هستند هیچ نامی نبرد و طرفین را به آشتی دعوت کرد .
 ولی آیا موتوان گریه و میش را با هم آشتی داد ؟ پاپ کم هیچ شک و شبهه ای باقی نمیگذارد که "شبان" کدام "گله" است .

پاپ در هفته گذشته به چند کشور آمریکای مرکزی از جمله نیکاراگوئه ، گواتالا و السالوادور مسافرت کرد . این مسافرت هنگامی انجام گرفت که این منطقه شاهد در ناگهین وقایع برای مردم آن که برای آزادی و دمکراسی مبارزه میکنند ، بوده و به جولانگاه تاخت و تاز نظامیان راستگرای حق کنی و "گله سبزهای" یانکی تبدیل گشته است .
 از سخنرانی های وی در این دیدارها چنان برنمی آید که وی خواسته باشد جانب تودمهای تحت ستم را که قریب با اتفاق آنان پیرو مذهب کاتولیک اند ، گرفته و سخنگوی بانگ حق طلبانه آنان باشند . برعکس ، اعتقاد وی به کلیسای مبارز نیاراگوئه جواب

مداخله آشکار

تلاش برای جلوگیری از افزایش کنگهای مالی و نظامی به رژیم حاکم در السالوادور ، در ایالات متحده آمریکا همچنان ادامه دارد .
 ریگان اعلام کرده بود که حاضر است ۶۰ میلیون دلار دیگر در اختیار این رژیم گذاشته و تعداد مستشاران نظامی خود را نیز در این کشور افزایش دهد و تهدید کرده بود که در صورت مخالفت کنگره این مبلغ را از محلی تامین خواهد کرد که تحت کنگره قرار نداد .

مقامات آمریکائی اوضاع رژیم در السالوادور را بسیار وخیم ارزیابی میکنند . حملات اخیر مبارزین به نقاط استراتژیک و تصرف چندین منطقه مهم و از جمله قدرت نهائی آنان در تصرف شهر "برلین" محافل ارتجاعی در آمریکا را سخت به وحشت انداخته است . حزب کمونیست آمریکا از مردم خواست تا به مقاومت خود علیه سیاست دولت ادامه دهد و آنرا تشدید کند . این حزب یادآوری کرده است که شرکت گسترده آمریکا در جنگ ویتنام نیز با همین اقدامات آغاز شد .

آزمایشات

چنانکه نازی هائی کردند

نشریات آمریکائی گزارش دادند که داروهای ویژه اعصاب انسان بر روی زندانیان اردوگاه هادرنامیبیا آزمایش میشود . طبق گزارش این نشریات یک گروه زیست شناسی و متخصص شیمی که در آمریکا و کشورهای اروپائی غربی تعلیم دید ماهند و تحت نظارت ارتش اشغالگر نژادپرستان در نامیبیا قرار دارند ، این آزمایشات را انجام میدهند . همچنین گفته میشود که این آزمایشات در اردوگاههای نازی ها در جنگ دوم جهانی نیز انجام میگرفتند . در بسیاری از موارد به کسانی که تحت بازجویی قرار دارند ، مقدار فراوانی مواد مخدر تزریق میشود . در این اردوگاهها مبارزین سوابو و همچنین عده زیادی زن و کودکان نگه داری میشوند .

رشد جنبش در اردوگوئه

حزب کمونیست اردوگوئه تمام نیروهای میهنپرست کشور را فرا خواند تا برای دمکراسی و آزادی متحدا مبارزه کنند . پس از رد قانون اساسی پیشنهادی نظامیان حاکم و پیروزی نیروهای مخالف در انتخابات سال گذشته اوضاع سیاسی جدیدی بوجود آمده است . که بنظر حزب کمونیست این کشور میتواند به سرنگونی رژیم استبدادی بیانجامد . رژیم شدیداً منزوی گشته و تقویت فعالیت نیروهای انقلابی و وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی کشور وضع آنرا متزلزل ساخته است . به نظر حزب کمونیست اردوگوئه وظیفه انقلابیون نه منتظر سقوط رژیم ماندن بلکه تشدید مبارزات و تامین اتحاد عمل تمام نیروهای انقلابی است زیرا این تنها

سیاست آشنا

بقیه از صفحه ۵

تویدار "آمریکا بنحو عربی بکار افتاد . نماینده آمریکا در مذاکرات یونان را بدستور کساح سفید ترک کرد . اما کشتی های جنگی آمریکائی در سواحل یونان لنگر انداخته و جنگنده های آن کشور نیز فرودگاههای یونان را قرق کردند . در همین حال آمریکا اعلام کرد که کنگهای نظامی خود بترکیه را افزایش خواهد داد . این عکس العمل واشنگتن برای مردم و دولت یونان غیر قابل پیش بینی نبود . آمریکا شیوه زیر فشار قرار دادن طرف مذاکره را ، پیشه کرده بود .
 متعاقب این جریان پایاند رژیم مخالفت خود با استقرار موشکهای مانیبرد آمریکائی در اروپای غربی را اعلام و از پیشنهادات دولتهای عضو پیمان ورشو و بیانیه پراگ آنها استقبال نکرد و خواست که منطقه عاری از سلاحهای هسته ای در شبه جزیره بالکان ایجاد شود . در مانور "وینتکس" ناتو نیز شرکت نجست و در هفته گذشته نیز پیمان همکاریهای اقتصادی و فنی با اتحاد شوروی منعقد کرد .
 در این گیر و دار سیاست دیگر آمریکا بکار افتاد . ژنرالهای ارتش شروع به اعتراض به وضع داخلی ارتش و عدم وجود دیسپلین و عدم رعایت سلسله مراتب کردند . تشکیل کمیته های سرنازان را شدیداً مورد حمله قرار دادند و اظهار داشتند که این کمیته ها تحت نفوذ کمونیستها هستند و

غیره . هفته گذشته نیز ارتش و نیروهای پلیس عملیات آماد ، باطن عظیمی برآه انداختند که شایعات مربوط به انجام کودتا علیه دولت را قوت بخشید .

مردم یونان کودتای "سرهنگان سیاه" را کموسیله آمریکا و ناتو طرح ریزی و به کمک آنان اجرا شد . فراموش نکرد ماند ، اگرچه نیروهای راست - گرای افراطی در انتخابات گذشته شکست فاحشی متحمل شدند ، اما این بدان معنی نیست که نفوذ خود را در ارتش و ارگانهای انتظامی دیگر از دست داده باشند .

"سیا" و محافل ناتو نیز بر همین "نفوذی" ها که تعدادی از آنان اگرچه ناچیز ، اخیراً پاک سازی شدند ، حساب میکنند .
 تمام تلاشهای آمریکا چه از داخل توسط "نفوذی های" خود و چه فشار و تهدید از خارج برای بی ثبات سازی اوضاع در یونان و جلوگیری از روندی که آغاز شده و میتواند امید بخش باشد نمونه عربان سیاست عمومی آمریکا نسبت به کشورها است که یاد شد و ما ایرانیها نیز باید که سیاست ما سفاهت تا حال بیشترین صدمات را از این سیاست خورد مایم .

آتش که آمریکا با آن در یونان بازی میکند میتواند عواقب بسیار خطرناکی در بر داشته باشد . تجربه نشان داده است که تنها پیگیری در مواضع و انجام بی وقفه آن با تکیه بر خلق تنها مادمای است که میتواند این آتش را خاموش کند .
 سیاست آمریکا همان است و چاره نیز همان .

راه چیره شدن بر نظامیان مستبد است که نیروهای چپ و دمکرات را تحت شدیدترین پیگرد ها قرار داده و جنبش صغی زحمتکشان و حقوق آسانسرا زیر پا گذاشته است .

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

۲ سوخوم ۲۰۰ مارک
 الف ۲۰ مارک

RAHE TUDEH

No. 32

Friday, 11 Mar. 83

Address: Winfried Schwarz
 Markgrafenstr. 13
 6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

